

عنوان مقاله:

سنجش فرهنگ سازمانی و موانع اشتراک دانش با هدف طراحی زیرساخت اشتراک دانش: یک مطالعه موردی

محل انتشار:

پژوهشنامه کتابداری و اطلاع رسانی، دوره 11، شماره 2 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

شعله ارسطوپور - استادیار گروه علم اطلاعات و دانش شناسی / دانشگاه فردوسی مشهد

مجتبی کفاشان کاخی - استادیار گروه علم اطلاعات و دانش شناسی / دانشگاه فردوسی مشهد

زهرا محمدیان - دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش شناسی / دانشگاه فردوسی مشهد

خلاصه مقاله:

مقدمه: فرهنگ سازمانی از اساسی ترین زمینه های تغییر و تحول در سازمان به شمار آمده و از جایگاه ویژه ای در مباحث مرتبط با مدیریت دانش و رفتار سازمانی برخوردار است. اشتراک دانش نیز به عنوان عنصری حیاتی و مهم برای سازمان ها جهت گسترش خدمات یکپارچه، اشتراک منابع، تلاش در جهت ارتقاء یادگیری سازمانی، خلاقیت و نوآوری مطرح شده است. از این رو، مطالعه حاضر تلاش می کند تا چگونگی وضعیت فرهنگ سازمانی و اشتراک دانش در بین اعضای هیئت علمی و کارکنان به عنوان مهمترین نیروی انسانی در دانشگاه را بررسی و موانع آن را مشخص سازد. روش شناسی: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و نوع تحقیق بر حسب فرآیند عملیات، پیمایشی تحلیلی است. جامعه مورد مطالعه این پژوهش را ۶۳ نفر از اعضای هیئت علمی و کارکنان دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه فردوسی مشهد تشکیل داد. برای جمع آوری داده های مورد نیاز این پژوهش از دو پرسشنامه ساخت یافته فرهنگ سازمانی و موانع اشتراک دانش استفاده گردید. همچنین، از آمارهای مناسب توصیفی و تحلیلی برای گزارش نتایج استفاده شد. یافته ها: نتایج نشان داد که خرده فرهنگ های سازمانی در جامعه مورد مطالعه تفاوت معناداری باهم داشته و به ترتیب سه فرهنگ بروکراتیک، مشارکتی و انطباق پذیر در آن حاکم است. همچنین مولفه های فرهنگ بروکراتیک نسبت به سایر خرده فرهنگ ها از رتبه بالاتری برخوردار بوده و بین موانع اشتراک دانش در جامعه مورد بررسی تفاوت وجود داشت. افزون بر این، نتایج نشان داد که عوامل انسانی و راهبردهای رهبری مهمترین گروه های موانع اشتراک دانش در جامعه پژوهش بودند. نتیجه: با در نظر گرفتن غلبه خرده فرهنگ بروکراتیک بر سایر خرده فرهنگ ها و با توجه به یافته های پژوهش به نظر می رسد در صورت تمایل برای اشتراک دانش و راه اندازی زیرساختی مناسب اشتراک دانش در جامعه مورد مطالعه لازم است تا نگاهی ویژه به جایگاه عامل سوم یا همان حامیان اجرایی داشت.

کلمات کلیدی:

فرهنگ سازمانی، زیرساخت اشتراک دانش، اشتراک دانش، مدیریت دانش، دانشگاه فردوسی مشهد

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1410102>

